

چپستي، بایستي و راه کار های

امر به معروف و نهی از منکر

به قلم: مهندس ابراهیم حنیف نیا

تقدیم به پیشگاه:

عدل راستین
دُرِّ ثَمین
حبل متین
کَهِفِ حَاصِین
امان زمین
کتاب مبین
نور برین

صبح ظفر
آورنده ی سحر
فخر بشر
بزرگ ترین خبر
حجت والا گهر
امام ثانی عشر(عج)

او که آرمان نهایی انسان ها و پایان رنج هاست.
پیشوای مهرگستری که انتظارش افضل عبادت ها،
و فراخوانی به او برترین امر به معروف ها،
و نهی از بدی های مانعِ ظهورش، با ارزش ترین نهی از منکرهاست،
آن گاه که بیاید، همه ی معروف ها و پاکی ها را جلوه گر خواهد ساخت،
و همه ی منکرات و بدی ها را از صفحه ی گیتی خواهد زدود.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ
گرگان_ ابراهیم حنیف نیا

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ:

- أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
- وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ^١

ترک دستوری که جرم اکبر است
امر بر معروف و نهی از منکر است
این مصیبت های جاری در جهان
دوری از این حکم شرع انور است^٢

١. حج / ٤١

٢. دیوان اشعار نویسنده

فهرست مطالب

چکیده	(۴)
چستی معروف و منکر	(۵)
بایستگی امر به معروف و نهی از منکر	(۵)
پیوستگی امر به معروف و نهی از منکر	(۹)
چه کسی امر و نهی کند	(۱۰)
۱- خلوص	(۱۰)
۲- آگاهی	(۱۲)
۳- خودساختگی	(۱۳)
چه کسی امر و نهی شود	(۱۴)
عناثر مؤثر در امر و نهی	(۱۵)
۱- محتوی	(۱۵)
۲- زمان	(۱۶)
۳- مکان	(۱۷)
۴- چگونگی	(۱۸)
۵- امر و نهی کننده	(۲۱)
منابع	(۲۲)

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی‌ترین دستورات عملی اسلام است. در این مقاله ابتدا چیستی و معنای معروف و منکر بیان شده تا بدانیم چه چیز را امر، و چه چیزی را نهی کنیم. پس از بیان رابطه امر به معروف و نهی از منکر و اینکه، این دو، لازم و ملزوم همدیگرند، به ویژگی‌های امر و نهی‌کننده پرداخته شده و اهمّ این ویژگی‌ها؛ خلوص، آگاهی و خود ساختگی برشمرده شده و آنگاه، به صفات کسی که امر و نهی می‌شود اشاره شده و سپس، عوامل تاثیر گذار در امر به معروف و نهی از منکر ذکر گردیده و از بین همه عوامل، پنج عنصر اساسی که در این موضوع اثر قطعی دارد، توضیح داده شده و در میان مؤلفه‌های اثر گذار بر امر و نهی، نمونه‌ها و راهکارهای عملی و کاربردی ارائه گردیده است.

چیستی معروف و منکر

یکی از درخشان ترین تعالیم دین مرقی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. قبل از هر چیز، بهتر است با معنی معروف و منکر آشنا شویم و بدانیم معروف چیست و منکر کدام است.

معروف، از مادهٔ عرف به معنی شناخته شده و عبارت است از: مجموعهٔ آموزه های دین اسلام، اعم از اعتقادات، اخلاقیات و احکام عملی، که فطرت پاک آدمی آنها را می پسندد و به آن گرایش دارد و آسایش و آرامش فرد و جامعه در گرو آن است.

معروفها بسان گل های زیبائی می مانند که اگر در بوستان زندگی انسان ها نشانده شوند، عطر و بوی آنها چنان فضایی دل پذیري ایجاد خواهد، کرد که همگان نشاط و شادابی خواهند یافت.

منکر از مادهٔ نکر، به معنی ناشناخته و کار زشت و ناپسند و عبارت است از: عقاید (بینش ها)، خُلقیات (گرایش ها) و اعمال (کنش ها) ناشایستی که نهاد پاک انسان، آنها را نمی شناسد و از آن گریزان می باشد.

منکرات، چون علف های زاید و هرزی هستند که در باغ وجود، هم جلوی رشد گلها را می گیرند و انرژی های مفید را هدر می دهند و هم به زیبایی آن لطمه می زنند و گلستان زندگی را بد منظره می سازند. به عبارتی دیگر، منکرات چون خارهای باغ زندگی زیان آورند و اگر وجین نگردند و درو نشوند، محصول را ضایع خواهند کرد.

در اسلام، بر همگان فرض است که امر به معروف کنند، یعنی: همه بکوشند تا آن چه را در زیباسازی پیرامون خویش موثر می دانند به کار بندند و در کاشتن نهال های آسایش بخش، در گلستان حیات انسانی خویش نقش ایفا نمایند.

نیز همه وظیفه دارند با نهی از منکر، پلشتی و پلیدی را از صفحهٔ زندگی پاک نموده، آنچه مُنافر طبع و فطرت انسان هاست، و جلوهٔ حیات را زشت می کند، یعنی همان خارها و علف های هرز و مزاحم را از مسیر خود بردارند.

بایستگی امر به معروف و نهی از منکر

امربه معروف و نهی از منکر، به نوعی، هدف همهٔ انبیا و سفیران پاک نهاد الهی بوده است. درقرآن یکی از مهم ترین اهداف حکومت اسلامی را پس از نماز و زکات، امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند و می فرماید:

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ، أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ^۱
 توحید و یگانه پرستی، که سر لوحهٔ همهٔ تلاش‌های پیشوایان دین و عبادت خدا، که هدف خلقت است و معروف و شناخته شده‌ای برتر از آن نیست (یا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ)، با امر به معروف عملی و اجرایی می‌شود.
 نیز شرک، که ظلم عظیم شناخته شده (إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) و گناه لایعْفَر و بزرگ‌ترین مانع، در راه توحید و تکامل انسان هاست، با نهی از منکر برچیده می‌شود.

همهٔ آموزه‌ها و دستورات دین تئوری هائی هستند که امر به معروف و نهی از منکر، آنها را اجرایی و کاربردی می‌کند؛ در غیر اینصورت، آن تعالیم حیات آفرین، در حد نظریه و گفتار باقی می‌ماند و عملی نمی‌گردد.
 بر همین اساس، حضرت علی (ع) آن را غایة الدین^۲ و قوام الشریعة^۳ قلمداد می‌فرماید و در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است که :

إِنَّ الْأُمْرَبَا لِمَعْرُوفٍ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تُأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ...^۴
 امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و شیوه ی صالحان و واجب بزرگی است که به آن، همهٔ واجب‌ها و دستورات دین به پا می‌شود و راه‌ها امن، داد و ستد پاکیزه، مظالم بازگردانده و زمین آباد می‌گردد.

جامعه‌ای که در آن امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود، آن جامعه پویا و متحرک نیست و اگر آحاد آن، روح مسئولیت و تعهد را در خود زنده نگاه ندارند و در مقابل هنجارها و ناهنجاری‌ها، از خود حساسیت نشان ندهند، آن جامعه راکد و بی‌تحرك، نردبان ترقی و تعالی را طی نخواهد کرد و به اوج قلّه‌های سعادت و شرف پر نخواهد کشید.

آری! تلاش و جنبش، رمز بالندگی و رشد و تعالی و سکون و بی‌حرکتی، بزرگ‌ترین عامل عقب ماندگی و دل‌مردگی و مرگ انسان هاست.

مردم باید در قبال یکدیگر، خود را مسئول احساس کنند و بدانند که اگر در برابر وقایع پیرامون خویش بی-تفاوت باشند، طوفان حوادث، خود آنها را هم به خطر خواهد افکند.

در روایات دینی آمده است که، انسان اگر ناهنجاری ببیند، نباید سکوت کند و بگوید: به من چه! من هم مثل یکی از افراد جامعه هستم!^۵ یا بگوید: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!، و یا :

اگر نیک و بدی دیدی مزن دم که هم ابلیس می باید هم آدم

۱. حج / ۴۱

۲. غررالحکم، ص ۳۳۲، حکمت ۷۶۳۸

۳. همان، حکمت ۷۶۳۹

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۵

۵. عن ابی عبدالله(ع): قال لرجلٍ من اصحابه: لا تَكونِ اِمعةً. تقولُ: انا مع الناس وانا كواحدٍ من الناس (بخاراالنوار ج ۲ ص ۸۲)

و یا معتقد باشد:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش بد از بدترند
چو عضوی به درد آورد روزگار جهنّم، دگر عضوها را چه کار
خیر، بلکه باید بدانند که: " کُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ " ، همه مسئولند. اگر فردی در کشتی خلل و شکست
ایجاد کند و دیگران مانع آن نشوند، خود فرد نیز به خطر خواهد افتاد. بنابراین، هیچکس نباید بی تفاوت باشد و
همه باید در رواج خوبی ها و از بین بردن بدی ها حساس باشند.

آن کسی را بستایند که اندر همه عمر بهر آسایش مردم قدمی بردارد
نیکمرد، آنکه نگردد دل او هرگز شاد مگر از خاطر کس بار غمی بردارد

در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) آمده است :

الْخَلْقُ عِيَالٌ اللَّهُ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ^۱

گفت پیغمبر وحید روزگار خلق می باشد عیال کردگار
کس بود نزد خدا محبوبتر کو رسد نفعش به مردم خوبتر^۲

ارزش انسان ها را به میزان درد و مسئولیتی که در خود احساس می کنند، باید ارزیابی نمود. آدم بی درد،
چون مرده متحرکی است که بهائی ندارد. تا جائی که از دایره مسلمانی خارج است.

مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۳

گفت پیغام آور مهر و کمال آن که شب را بی غم و درد خیال
خفت و ننمود از کسی رفع ملال او مسلمان نیست با این وضع و حال^۴

نقل شده که:

«دو ملک مأمور شدند بر شهری عذاب نازل کنند. وقتی برای انجام مأموریت و دگرگون
ساختن شهر آمدند به مرد عابدی برخورد کردند که مشغول عبادت و رازونیز خالصانه بود.
یکی از دو ملک به دیگری گفت : من عذاب نازل نمی کنم تا اینکه دوباره در مورد این مرد
عابد کسب تکلیف کنم ... وقتی که برگشت و به خدا مطلب را عرضه داشت، خطاب آمد:
تو مأموریت خود را انجام بده و به آن عابد هم توجه نکن! چون او در بین همان مردم
گناهکار به سر می برد و آن قدر بی درد و توجه بود که هیچ گاه اعمال بد مردم او را ناراحت
نکرد و فکر نکرد که ممکن است خشم من شامل حال مردم شود»^۵

۱. اصول کافی ، ترجمه ی مصطفوی ج ۳ ص ۲۳۹

۲. دیوان اشعار نویسنده.

۳. اصول کافی ، ترجمه مصطفوی ج ۳ ص ۲۳۹

۴. دیوان اشعار نویسنده.

۵. بحارالانوار ج ۱۴ ص ۵۰۹

در گزارشی از امام باقر (ع) چنین آمده است که:

«خداوند عزوجل به شعیب پیغمبر وحی فرستاد که من یکصد هزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم، چهل هزار از بدکاران و شصت هزار از نیکوکاران! شعیب عرض کرد: پروردگارا! آشرا آر، ولی نیکان را برای چه؟ وحی آمد: زیرا نیکان با اهل معاصی کنار آمدند و آن هارا نهی نکردند و به خاطر من بر آنها غضب نمودند.» (داهنوا اهل المعاصی ولم یغضبوا لِعِصْبِي)^۱

امیر ایمان، حضرت علی (ع) در بستر شهادت در حالی که به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) وصیت می فرمود، یکی از سفارشهای ایشان این بود که:

لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولّی علیکم شرارکم، ثم تدعون فلا یستجاب لکم.^۲

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت افراد پست بر شما حاکم خواهند شد. آنگاه دعا می کنید ولی دعای شما مستجاب نمی شود.

نیک است که بدانیم، امام حسین (ع) در وصیت نامه ای که به برادرش محمد حنفیه دارند، هدف قیام شکوهمند و عزت آفرین خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند. آنجا که می فرماید:

أرید أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنکر.^۳

امیر سخن و پیشوای عدالت پیشگان، علی (ع) به زیبایی تمام، ضمن بیان مراتب امر به معروف و نهی از منکر و بر شمردن سه قسم آن یعنی: عملی، زبانی، قلبی، کسی را که به آن عمل نمی کند، مرده ای در میان زندگان معرفی نموده و سپس تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا را در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همانند قطره ای بر دریای موج و پهناور می داند:

فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِحِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مَتَمَسِّكٌ بِخَصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضِيعٌ خِصَلَةً وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَعَ أَشْرَفَ الْخَصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي ...^۴

۱. کافی ج ۵ ص ۵۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷ ص ۳۹۸، ترجمه: محمد دشتی

۳. بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۲۹

۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷ ص ۵۱۴، ترجمه: محمد دشتی

گروهی منکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند ، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خود گردآورده اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند پس دو خصلت از سه خصلت را که شریف تر است، تباه ساخته و یک خصلت را به دست آورده اند. و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته اند که چنین کسی از آنان ، مرده ای میان زندگان است. و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا ، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است.

پیوستگی امر به معروف و نهی از منکر

امربه معروف و نهی از منکر، مانند دو لبه قیچی و یا دو بال برای پروازند. همانگونه که پرنده با یک بال نمی تواند پرواز کند، اجتماعات بشری هم در صورتی به اوج کمال نایل می شوند که هر دو را با هم بکار گیرند. یعنی: هم بکوشند ارزش های پسندیده را منتشر ساخته، خود و دیگران را به آن فرا خوانند، و هم همگان را از صفات رذیله نهی کنند و در محو آن ها تلاش نمایند.

همانگونه که بدن، وقتی سالم است که هم با غذاهای پاک و سالم تغذیه شود، وهم از میکروب ها و آفات که سلامت آن را به خطر می اندازد ایمن بماند.

هیچگاه نمی توان تنها به معروف و نیکی ها پرداخت واز منکرات و بدیها غافل ماند. این دو با هم رابطه تنگاتنگ دارند و هریک به تنهایی کافی نیستند، بلکه لازم و ملزوم همنند.

اصولاً، ساختار دعوت انبیاء هم دو بعد داشته: بعد نفی و بعد اثبات. یعنی فرستادگان الهی نیامده اند که مردم را تنها به خدا امر کنند، بلکه توحید یک بعد از تلاش آن ها بوده و بعد دیگر دعوت آنها ، نهی از شرک و بت پرستی به معنی جامع آن بوده است.

قرآن به زیبایی تمام، آنجا که هدف بعثت پیامبران را بازگو می کند، می فرماید:

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ^۱

یعنی: در هر امتی رسولی فرستادیم برای دو کار: ۱- خدا را عبادت کنند (اثبات). ۲- از طاغوت دوری گزینند (نفی).

شعار توحید اسلام هم، که اولین کلام پیامبر (ص) است، یعنی: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، از دو بخش نفی (لا إله) و اثبات (إلا الله) تشکیل شده است و نمی توان یکی را گرفت و دیگری را رها ساخت. رعایت هر دو با هم، نتیجه بخش و کمال آفرین است.

برای تبیین این مطلب می گوئیم: اگر بخواهد چراغ و لامپ روشن شود و اطراف را نور افشانی کند، لازم است دو نوع جریان و الکتریسیته مثبت و منفی در کنار هم قرار گیرند، تا نور تولید شود. هیچیک از دو جریان به تنهایی فایده ای ندارد.

برای اینکه زندگی انسان ها هم در روی زمین، نورانی شود و امنیت و آسایش پرتوافکن گردد، لازم است هم جریان های مثبت و معروف جاری شود، و هم از جریان های منفی و منکرات پرهیز و با آن ها مبارزه شود. و این دو، در کنار هم تاثیر می گذارد و فضای زندگی را درخشان می سازد.

در ادامه سخن، با طرح فرازهایی که در کاربردی و اجرایی کردن فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر دخیل می باشند و هر امر به معروف و ناهی از منکر باید آنها را در نظر داشته باشد، بحث را دنبال می کنیم.

چه کسی امر و نهی کند

آنکه می خواهد دیگران را امر به معروف نماید و از منکر باز دارد، در انجام این مهم نقش اول را دارد، لذا باید ویژگی هایی را دارا باشد. بیان همه آن ویژگی ها به طولانی شدن بحث می انجامد، که از بین همه آن ها به شرح سه ویژگی مهم و اساسی می پردازیم. با ذکر این نکته که: هرچه امر و نهی کننده به صفاتی که گفته می شود، آراسته تر بوده و بیشتر و بهتر آن ها را واجد باشد، در انجام وظیفه خود موفق تر و اثرگذارتر خواهد بود و اگر این صفات را کمتر دارا باشد، تاثیر او در دیگران ضعیف تر است. ولی به هر حال، در هر درجه ای از دارا بودن شرایط، به همان اندازه اثر می گذارد. و اینک شرح این سه ویژگی:

۱- خلوص

یکی از حساس ترین ویژگی های یک امر به معروف و ناهی از منکر این است که در عمل خود، نیتش را خالص گرداند، قصد قربت کند، رضای خدا را در نظر آورد و هدفش سودجویی و یا ریا و تخریب شخص مقابل و خوار کردن او نباشد. در این صورت، عمل او اثر می کند و به نتیجه می رسد و در غیر این صورت، نه پاداش الهی دارد و نه به مقصود می رسد. ای چه بسا اثر منفی هم داشته باشد.

قرآن، برخالص کردن کارها برای خدا اصرار دارد و به مردم امر می کند که کارهای عبادی خود را برای خدا

خالص کنند:

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ^۱

در اسلام، عمل غیر خالصانه، شرك محسوب مي شود. چنانکه از امام صادق (ع) نقل شده که خداوند عزوجل مي فرمايد:

أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مِّنْ أَشْرِكٍ عَلِيٍّ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا^۲
من شريك خوبي هستم. هر کس ديگري را با من در عملي شريك سازد، از او قبول نمي
کنم، مگر اين که آن را براي من خالص کند.
شيطان هم سوگند ياد کرده که غير مخلصين را گمراه کند :

فَبِعَزَّتِكَ لَا غُيُوبَ لَهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ^۳
قال رسول الله (ص) : الْعُلَمَاءُ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْعَامِلُونَ وَالْعَالِمُونَ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْمُخْلِصُونَ
وَالْمُخْلِصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ^۴
عالمان همگي هلاک شده اند، مگر آن که عامل باشند. عاملين همه هلاک شده اند مگر
مخلصون و مخلصون در خطر بزرگ هستند.

نقل است که: وقتي حضرت آدم به زمين فرود آمد، وحشي هاي صحرا به حضورش آمده، سلام دادند و
خوش آمد گفتند. آن بزرگوار نيز به هر جنس از آن ها آن چه لايق بودند، دعا نمود. از جمله طایفه اي از آهو به
خدمتش آمدند و در حق ايشان هم دعا فرمود و دست مبارك برپشت آن ها کشيد. در همان ساعت از آن ها بوي
مشک ظهور نمود. طایفه ي ديگر از آهو، از آن ها سبب رايحه ي خوش را پرسيدند، جواب دادند: پيغمبر خدا آدم
(ع) به زمين آمده ، براي خوش آمد گويي رفتيم و ايشان هم به ما محبت فرمود. آن ها نيز با کمال عجله
شرفياب شدند، در حق آن ها هم لطف کرد و دست مبارك برپشت ايشان کشيد ولي اثري از عطر ظهور نمود.
برگشتند و به رفقاي خود گفتند: عجب است!، ما نيز به حضور آدم (ع) رفتيم ، پشت ما را مسح کرد ولي اثري
ظاهر نشد!! آن ها گفتند:

نَحْنُ زَرْنَاهُ لِلَّهِ، وَ أَنْتَنَّا زُرْتُمُوهُ لِأَجْلِ الْمِسْكِ^۵.

ما براي خدا و خالصانه به دیدار او رفتيم ولي شما فقط به خاطر خوشبو شدن نزد او رفتيد.
لذا اگر مي بينيم خيلي وقت ها تلاش ما در ديگران اثر نمي کند و مشک ما بويي متصاعد نمي سازد، بايد
يکي از مهم ترين دليل آن را در عدم خلوص جستجو کرد.

۱. غافر / ۱۴.

۲. کافی ج ۲ ص ۲۹۵

۳. ص / ۸۳

۴. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۸

۵. رنگارنگ ج ۲ ص ۴۸۴

۲- آگاهی

نمی توان بدون علم و آگاهی لازم در دیگران اثر گذاشت. کسی که نسبت به بسیاری از مسائل و حوادث بی اطلاع است، هیچ مطلب مفیدی در رابطه با موضوعی که آن را امر و نهی می کند، نمی داند، دانشی نیندوخته و راهکار روشنی بلد نیست، در حوادث تجربه کسب نکرده و راه را نمی شناسد، او با چه سرمایه علمی خواهد توانست راهنما و راهگشای دیگران باشد.

حضرت علی(ع) می فرماید:

ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ^۱

هر حرکت و اقدامی بخواهی انجام دهی، نیاز به شناخت مخصوص آن داری.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه کاریش توانایی است

هر کس بخواهد در هرفن و رشته ای، دانسته های خود را به دیگران برساند و آن ها را در آن زمینه مورد نظر ترقی دهد، البته باید مهارت های لازم را در آن موضوع دارا باشد. در غیر این صورت، آنکه بدون بصیرت وارد معرکه گردد، ممکن است به جایی نجات دیگران از پرتگاه، آن ها را در عمق دره بیندازد. یا از چاهی درآورد و به چاهی دیگر اندازد.

قرآن می فرماید:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي^۲

بگو روش من این است، با بینش و بصیرت به سوی خدا دعوت می کنم؛ هم خودم وهم پیروانم.

در سفارش های پیشوایان راستین دین، بر این مهم تاکید فراوان شده است، چنان که می خوانیم :

قَالَ الصَّادِقُ (ع): الْعَامِلُ عَلِيٍّ غَيْرِ بَصِيرَةٍ، كَسَاءٌ لِرِجْلِ الْغَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا^۳

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که بدون آگاهی و بصیرت کاری انجام دهد، چون رونده در بی راهه است که سرعت او، راه را دورتر می کند.

و باز امام صادق(ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که فرمود:

مَنْ عَمِلَ عَلِيٍّ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَتْ مَأْتَلُهُ يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ^۴

کسی که از روی نا آگاهی کار می کند، خرابی او بیش از آبادی اوست.

۱. تحف العقول ص ۱۶۵ ، ترجمه علی اکبر غفاری.

۲. یوسف / ۱۰۸

۳. اصول کافی ج ۱ ص ۵۴ ، ترجمه مصطفوی.

۴. اصول کافی ج ۱ ص ۵۵ ، ترجمه مصطفوی.

۳- خودساختگی

انسان، تا خودساخته و آراسته به خصال نیکو نباشد و از بدی ها دوری نگریند، آنگونه که شایسته است، نمی تواند دیگران را رهنمون شود. گفتار، اگر با عمل همراه نباشد، بردل نمی نشیند؛ که گفته اند:
دوصد گفته چون نیم کردار نیست.

نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان چون کنی تسخیر نفس دیگران
نفس خود اول برو در بند کن پس برو آهنگ و عطا و پند کن
قال علی (ع) : کیف یُصلِحُ غیره من لم یُصلِحِ نفسه^۱

کسی که در اصلاح خود ناتوان است، چگونه می تواند دیگران را اصلاح کند.

بزرگان گفته اند: "فاقد شیء، معطي شیء نیست". یعنی: آنکه خود، کمالی ندارد و خوبی ها را فاقد است، نمی تواند آنها را ببخشد و به دیگری عطا کند. عطر بی بو، چگونه می تواند اشیاء را خوشبو سازد؟
خشک ابري که بود ز آب تهی کی بود بر صفت آب دهی

قرآن، بر خودساختگی افراد، برای راهنمایی دیگران، تاکید فراوان دارد. تا جایی که همگان را مخاطب

ساخته، می فرماید:

لَمْ تَقُولُوا مَا لَتَفْعَلُونَ، كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ^۲

چرا می گوید آنچه را خود عمل نمی کنید، نزد خدا گناه بزرگ است که بگویند و عمل نکنید.

و یا می فرماید:

أَتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ^۳

آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید؟

حضرت علی (ع) هم، آمرین به معروف را، که خود، ترک معروف می کنند و ناهین از منکر را، که خود، آن

را مرتکب می شوند، مورد نفرین قرار داده، می فرماید:

لَعْنَةُ اللَّهِ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ^۴

چه کسی امر و نهی شود

۱. غررالحکم فصل ۶۴، حدیث ۲۲

۲. صف / ۳

۳. بقره / ۴۴

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹، ترجمه: محمد دشتی.

کسی را که می خواهند به کارهای نیک دعوت کنند، واز اعمال ناشایسته باز دارند، باید در او آمادگی هایی باشد. این آمادگی ها وزمینه ها برای فرد ارشاد شونده متنوع است. ولی به طور کلی باید اهلیت این کار را داشته باشد.

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت نا اهل را چون گردکان برگنبد است

گرچه هرکس، با هر جنس و نژاد و رنگی را می توان تبلیغ نمود، اما به شرط آنکه طرف مقابل ، دیوانه و جاهل نباشد و عکس العمل منفی و زیان آور نشان ندهد و از همه مهمتر بخواهد که سخن حق را بپذیرد. آن که خواهان حقیقت نیست و لجبازی می کند، سخن و راهنمایی در او تاثیر نمی کند. همچنین صفاتی چون: خودخواهی، کبر، غرور، تعصب، لج بازی، تنگ نظری، تلون پذیری، بی اعتقادی و نظیر آنها، آفاتی هستند که تاثیرپذیری و حق گرایی را در افراد، با مشکل مواجه می کنند. گرچه همه انسان ها در برابر آنچه با ذات و طبیعت آن ها سازگار است، به نوعی حق پذیرند، ولی این حق پذیری ممکن است قلبی و درونی باشد و آن صفات منفی، باعث شود در زبان و ظاهر ، به حق اقرار نکنند و مقاومت نشان دهند.

قرآن می فرماید:

وَجَاهِدُوا بِهَا وَأَسْتَيْقَنَتَهَا أَنْفُسَهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا^۱

به خاطر ظلم و برتری جویی آن را انکار کردند، در حالی که در درونشان یقین داشتند.

آری، صفات رذیله ، قساوت و تصلب آفرین است. برای همین قرآن می فرماید:

وَذَرَالَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا^۲

رهاکن آن هایی را که دین را بیهوده و بازیچه می پندارند و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته است.

بر سیه دل چه سوراخاندن و عطا نرود میخ آهنین بر سنگ

بدیهی است آن ها که زمینه ی پذیرش حرف حق را ندارند، صفحه ی وجودشان چون زمین شوره زاری

است که در آن گل و ریحان نمی روید.

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بَاذِنَ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكَدًا^۳

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست درباغ لاله رویدو در شوره زارخس

رطب مخواه از آن خاربن که یک عمری به شوره زار شئامت کنند تربیتش

پیداست که میزان اثرپذیری انسان ها، بستگی به فاکتورهایی دارد که در قسمت های بعدی سخن خواهد

آمد؛ اینکه چه کسی و چگونه و با چه شرایط و مقدماتی، افراد را تبلیغ کنیم مهم است و با رعایت آنها، گاهی

۱. نمل / ۱۴

۲. اعراف / ۷۰

۳. اعراف / ۵۸

شقی ترین و سرسخت ترین افراد هم به راه آمده اند، که این در جایی خود محل تأمل است. ولی به طور کلی امرشونده به معروف و نهی شونده از منکر، باید اهلیت داشته باشد.

نا گفته نماند، امر به معروف و نهی از منکر با چهار شرط واجب است:

۱- امر به معروف و نهی از منکر کننده، عالم به معروف و منکر باشد، تا امر به گناه و نهی از معروف نکند.

۲- گناه کار اصرار بر گناه داشته باشد.

۳- ضرر مالی یا جانی یا عرضی برای او و یا مؤمنین نداشته باشد.

۴- احتمال تأثیر بدهد (گرچه احتمالش مرجوح باشد، به این معنی که علم به تأثیر نکردن نداشته باشد).

لکن، در باطن و قلب، واجب است (خواه شرایط دیگر فراهم باشد، یا نباشد) که با معروف و نیکو کار، دوست بوده و با گناه و گناه کار دشمن باشد، زیرا این مرحله از اعتقاد او است.^۱

یکی دیگر از مهم ترین نکاتی که فرد خواهان حق و کسی که در معرض امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد، باید به آن توجه کند این است که نباید به گوینده، بلکه به گفته بنگرد. سخن حق و پسندیده را از هرکسی باید پذیرفت. علی (ع) می فرماید:

أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالُوا وَلَا تَنْظُرُهُ إِلَى مَنْ قَالَ^۲

بنگر که چه می گوید، منگر که، که می گوید

عناصر مؤثر در امر و نهی

این که امر به معروف و نهی از منکر در دیگران اثر کند و در آن ها تغییر ایجاد نماید، به عوامل زیادی بستگی دارد، که در این جا به اساسی ترین عناوین آن عوامل می پردازیم :

۱- محتوی

امر به معروف و نهی از منکر باید از محتوای مفید و سازنده برخوردار باشد. طرح موضوعات بی اهمیت، غیر ضروری، غیر مثبت، بی هدف و غیر آرمانی، ائتلاف انرژی و عملی نا مطلوب است. همچنین، امر و نهی در مباحثی که برای آن، در شرع دستور صریحی نیامده و عقلانی نیست، نیز توقف در امور فرعی و غفلت از اصول و مبانی، کاری عبث است.

۱. لمعه ج ۱ (فی الامر بالمعروف والنهی عن المنکر)

۲. غررالحکم

علاوه براین، محتوای امر و نهی بگونه ای صریح، مستدل و از روی برهان و منطق باشد، تا برای دیگران قانع کننده واقع شود و راه را برای تصمیم گیری طرف مقابل کاملاً روشن کند و بر او حجت تمام گردد. قرآن به ما دستور می دهد، دلیل و برهان بیاورید: (قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ)

بنابراین، به طور خلاصه، محتوای امریه معروف و نهی از منکر باید این خصوصیات را داشته باشد:

- مفید و سازنده باشد.

- آرمانی باشد

- شرعی باشد

- اصلی باشد

- مستدل باشد

۲- زمان

اگر کالایی در زمان مناسب عرضه نشود، خریدار ندارد. برای مثال، هیچ وقت یخ را در زمستان به بازار نمی آورند، چون زمان آن نیست و خریدار ندارد.

افراد در موقعیت های زمانی مختلف، با توجه به وضعیت روحی و روانی خود، از نظر پذیرش یا عدم پذیرش سخن حق، دارای شرایط و روحیات متفاوت اند. مثلاً وقتی که یک فردی حادثه یا خبر ناگواری برایش پیش آمده و ذهن او را مشغول کرده، یا در اثر کار جسمی مفرط و مشغله های روزمره، خسته است و یا علل گوناگون دیگر، سخن در او اثر نمی کند یا کم تأثیر است. این یک اصل روان شناسی است، که هرکس در هنگام شادی و خوشی، سخن حق را پذیرا تر، و در وقت غم و گرفتاری، آمادگی کمتری برای آن دارد. ای چه بسا افراد که هنگام شادی به کلام زیبا پاسخ خشن می دهند و هنگام خشم و غم، کلام نازیبا را پاسخ نرم می دهند. برای همین است که گفته شده:

"از تلون طبع پادشاهان در حذر باید بودن، که وقتی به سلامی برنجند و دیگر وقت، به

دشنامی خلعت دهند."

سخن معروفی است که می گویند:

الأمور مرهونُ بأوقاتها

یعنی: کارها مرهون و وابسته به اوقات آن هاست.

از نظر دینی هم اگر بخواهیم نگاه کنیم، می بینیم که بعضی ایام و ساعات، دارای قداست بیشتری است و سخن در آن هنگام، مؤثرتر می باشد. برخی روزهای سال و ایام هفته و ساعات روز که در شرع به آن ها اشاره شده، مانند: ایام قدر، روزهای جمعه، بعضی اعیاد و ساعت بین الطلوعین و یا مواقع نزدیک به نماز و ... دارای تأثیرات خاص خود هستند. نقل است که:

«پادشاهی مردد بود که خزانه مملکت را تقویت کند، یا لشکر و قوای جنگی را . با دو تن از وزیران و مشاوران خود به رای زنی پرداخت. اولی گفت: خزانه ی مملکت را قوی گردان. دومی گفت: من می گویم لشکر فراهم کن. پادشاه از آنان خواست تا هریک برای نظر خود، دلیل اقامه کنند. وزیر اولی دستور داد، هنگام روز ظرف عسلی آوردند. بعد دیدند که مگس ها به دور ظرف جمع شدند. او گفت: مردمان چون مگسانند. اگر خزانه پر باشد، چون این مگسان، به طمع شیرینی و زر، سریعاً جمع می شوند. نوبت به وزیر دوم رسید و او پاسخ را به شب موکول کرد. هنگامی که شب فرا رسید، دستور داد ظرف عسل را آوردند و مگسی جمع نشد. سپس گفت: ای پادشاه! لشکر فراهم کن، زیرا ممکن است تو هنگامی به آن نیازمند باشی، که کسی اجابت نکند و تخت و تاج هدر رود».

بدین جهت است که می گوئیم: گاهی، زمان ها برای امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است. باید وقت شناس بود و هرچیزی را در زمان خود عملی نمود، زیرا در بعضی زمان ها سخن بهتر اثر می کند و در پاره ای اوقات هم اصلاً خریدار ندارد.

برای تنوع، نقل ضرب المثل «سورخ دعا را گم کرده» در این جا بی مناسب نیست.

«گویند شخصی در مستراح نشسته، به جای ورد استنجاء این دعا را که مخصوص وقت افطار است می خواند. «اللهم لك صمتٌ وعلي رزقك أفطرتُ» ! ، شخصی از دور شنید و گفت: خوب وردی است، اما سورخ دعا را گم کرده ای»^۱

بوالعجب وردی بدست آورده ای لیک سورخ دعا گم کرده ای

۳- مکان

طبیعی است که باید جای و مکان امر به معروف و نهی از منکر را در نظر گرفت. بسیاری از مکان ها مناسب برای این مسئله نیست. معمولاً هرجایی را برای کاری در نظر می گیرند. اگر پزشک بخواهد بیماران را درمان کند، به سراغ میکده نمی رود. و اگر معلم بخواهد شاگردان را تعلیم دهد، مکان آن، مدرسه است نه هرجایی دیگری.

باخرابات نشینان ز کرامات ملاف هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد

شمع خندید به هر بزم، از آن معنی سوخت خنده، بیچاره ندانست که جایی دارد

۱. رنگارنگ، ج ۱، ص ۳۳۹

هر کس هم بخواهد متاع خود را به دیگران بفروشد، آن را در مکان مخصوص آن در معرض متقاضیان قرار می دهد، نه در هر مکانی و تحت هر شرایطی. حکایت زیر تا حدودی بیان گر این موضوع است، توجه کنید: «مردی وارد ایستگاه مترو واشنگتن دی سی شد و شروع به نواختن ویلون کرد. شش قطعه از بهترین قطعات باخ را نواخت، سه دقیقه بعد مرد میان سالی متوجه نوازنده شد. چند ثانیه ای توقف کرد، بعد با عجله به سمت مقصد خود به راه افتاد. یک دقیقه بعد، ویلون زن، اولین انعام خود را دریافت کرد. خانمی بی آن که توقف کند، یک اسکناس یک دلاری به درون کاسه اش انداخت و با عجله به راه خود ادامه داد. چند دقیقه بعد، مردی که گوش به موسیقی سپرده بود به دیوار تکیه داد ولی ناگهان نگاهی به ساعت خود انداخت و با عجله از صحنه دور شد. کسی که بیش از همه به ویلون زن توجه نشان داد، کودک سه ساله ای بود که مادرش با عجله و کشان کشان او را با خود می برد...»

در طول مدت ۴۵ دقیقه ای که ویلون زن می نواخت، تنها شش نفر توقف کردند. بیست نفر هم انعام دادند، بی آن که مکثی کرده باشند و سی دلار عاید ویلون زن شد. نه کسی او را تشویق کرد و نه کسی او را شناخت. این ویلون زن همان « جاشوابل » یکی از بهترین موسیقی دانان جهان است و نوازنده ی یکی از پیچیده ترین قطعات، به ارزش سه و نیم میلیون دلار می باشد. جاشوابل دو روز قبل از نواختن در سالن مترو، در یکی از تئاترهای شهر بوستون، برنامه ای اجرا کرده بود که تمام بلیط هایش پیش فروش شده بود و قیمت متوسط هر بلیط یکصد دلار بود.»

بهترین دستاوردها، اگر در محیطی ارائه شوند که سختی با آن دستاوردها نداشته باشند، مورد بی مهری و عدم توجه، قرار خواهند گرفت. لذا شرط موفقیت کامل یک طرح و یا سیستم، همخوانی آن، با شرایط محیطی آن خواهد بود.

بنابراین، همان گونه که برای هر امری، مکان خاص آن مورد نظر است، موقعیت و شرایط مکان های مختلف هم در تبلیغ و هدایت دیگران، ممکن است به نتیجه مطلوب منجر نگردد.

۴- چگونگی

این که بدانیم چگونه و با چه نحوی با دیگران سخن بگوییم، خیلی مهم است. اگر امر به معروف و نهی از منکر، از روی دلسوزی و محبت و عبارات مناسب ادا شود، نفوذ و تأثیر آن چند برابر می شود.

قرآن به مادستور می دهد که با مردم به نیکویی سخن بگویید:

وقولوا للناس حسناً^۱

وقتی که موسی و هارون مأموریت می یابند که فرعون را تبلیغ کنند، خداوند می فرماید:

إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ وَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا^۲

۱. بقره / ۸۳

۲. طه / ۴۵

به سوي فرعون برويد که او طغيان کرده و با او با نرمي و ملايمت سخن بگويد.
جايي که با فرعون خون آشام، بايد به نرمي و ملايمت سخن گفت، مردم معمولي جاي خود دارد.
به نرمي تند خوبان را دليل خود توان کرد کند خاکستر آخر زير دست خويش اخگر را
اسلام دين زور و جبر نيست که لازم شود با مردم به خشونت رفتار کرد، بايد به زيبايي و نرمش، راه راست
را به آنها رسانيد تا در صورت قبول، با اختيار حقيقت را بپذيرند. قرآن مي فرمايد: اکراه و اجبار در دين نيست، زيرا
راه رشد و سعادت و راه گناه و بدبختي آشکار شده است.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ^۱

در جايي ديگر نيز مي فرمايد:

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ و مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا و مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ^۲
هر آينه از جانب خداوند بر شما روشنايي ها و بينش هايي آمد. پس هر کس بدان ها چشم
گشود، به سود خود رفتار کرد، و هر کس از آنها چشم بربست، به زيان خود عمل نموده و من
حافظ کردار شما نيستم.

مهم اين است که ما با روش زيبا، حق را براي تصميم آزدانه ديگران فراهم سازيم. در اينصورت، چون
آدمي فطرتاً حق گراست، اگر عناد نوزد، تسليم خواهد شد.

بهترين نحوه امر به معروف و نهي از منکر، آن است که به گونه عملي باشد. امر و نهي گفتاري، در صورتي
که با آدابش انجام شود خوب است، ولي امر و نهي عملي و کرداري تأثير ديگري دارد.

حرکت زيباي امام حسن و امام حسين (عليهما السلام) در رابطه با پيرمردی که وضوی غلط می گرفت، در
تاريخ مشهور است. آن دو بزرگوار، برای اين که پيرمرد را متوجه اشتباهش کنند، به او هيچ نگفتند، بلکه خود
مشغول وضو گرفتن شدند و از او خواستند قضاوت کند و بگويد که کدام يك از آن ها بهتر وضو می گيرند. وقتی
آن ها وضو گرفتند، پيرمرد به اشتباه خود پی برد، آن هارا در آغوش گرفت و بوسيد و گفت: شما وضويتان درست
است، من اشتباه کردم.

سعديا گرچه سخن دلکش و شيرين گويي به عمل کاربر آيد، به سخنراني نيست

دوست پيري که خدايش بيامرزد، نقل مي کرد:

"... در سفر آلمان، روزي در يکي از خيابان هاي شهر بُن، در کنار پياده رو، روي نيمکت
مخصوص نشستم و با چاقويي که در جيب داشتم، مشغول پوست کندن از گلابي شدم.
پوست هاي گلابي را در گوشه اي کنار صندلي مي ريختم. در اين لحظه که يك شهروند
آلماني متوجه من شد، به سوي من آمد و بدون آن که سخني بگويد، روي نيمکت کناري
نشست. کبريتش را از جيب درآورد و پس از روشن کردن سيگارش، چوب کبريت را برد و

۱. بقره / ۲۵۶

۲. انعام / ۱۰۵

کمی آن طرف تر داخل ظرف مخصوص زباله انداخت. من که نظاره گر این صحنه بودم، به شدت شرمنده شدم و بلافاصله پوست های گلابی را که در کنار صندلی ریخته بودم جمع کردم و بردم داخل سطل زباله ریختم».

می بینیم که یک رفتار مناسب، چه تاثیر شگرفی می گذارد. به همین جهت است که پیشوایان پاک دین، این همه تأکید بر ارشاد مردم به نحو عملی آن دارند. امام صادق(ع) می فرماید:

كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ^۱

مردم را با غیر زبان به نیکی دعوت کنید.

برای واضح شدن این که نحوه گفتار، چه قدر در واکنش نشان دادن افراد نقش دارد، داستان زیر خیلی

گویاست :

«هارون الرشید، خلیفه ی مقتدر عباسی، خواب دید که همه دندان های او ریخته است. معبری را فراخواند و تعبیر خواب را از او جویا شد. او گفت: همه کسان تو پیش از تو بمیرند. خلیفه از این نحوه ی تعبیر خیلی ناراحت شد و از روی خشم دستور داد به معبر خواب صد تازیانه بزنند. سپس فرد دیگری را آوردند، او هم همین گونه تعبیر کرد، هارون الرشید دستور داد او را هم صدضربه شلاق زدند. سومی را آوردند، او که از قضایای شلاق خوردن تعبیرکنندگان قبل با خبر شده بود، وقتی خلیفه از او تعبیر خواب را خواست، گفت: عمر خلیفه از همه بستگانش طولانی تر خواهد بود. هارون الرشید گفت: احسنت، و دستور داد به او صد دینار زر پاداش دادند. معبر سوم هم، همانگونه تعبیر کرد، که اولی و دومی تعبیر کرده بودند، ولی به گونه ای مطلب را رسانید که شایسته پاداش شد و آن دو شلاق خوردند»

البته، خوب حرف زدن، با حرف خوب زدن متفاوت است. بسیاری هستند که خوب حرف می زنند و زبان گرم و نرمی برای سخن گفتن دارند، ولی حرفشان بی خودی و پوک است و از محتوای مفید و ارزشمندی برخوردار نیست. بعضی هم حرف های مفید و گران بهایی می گویند ولی نمی دانند آن را چه گونه و با چه روشی ارائه دهند که به دل نشینند.

در امر و نهی ها، در حد امکان، باید بکوشیم که هم خوب و با خلق خوش و نرمی و ملاحظت با افراد سخن بگوییم و هم حرف مفید و سازنده و منطقی ارائه نماییم، تا در دیگران اثر نماید. یعنی: هم خوب حرف بزنیم، و هم حرف خوب بزنیم.

نکته دیگر این است که، در بیان حقایق، باید سطح افراد و موقعیت آن ها را نیز مد نظر داشت. انسان ها از نظر درک و فهم یکسان نیستند. باید با هر کس به اندازه ی وسع و توان او سخن گفت، تا زحمت ها ضایع نشود. همه پیامبران هم به این نکته توجه داشته اند، چنان که رسول گرامی اسلام(ص) فرمودند:

۱. بحارالانوار ج ۶۷ ص ۳۰۹.

أنا معاشر الانبياء أمرنا إن نكلم الناسَ علي قدر عقولهم^۱

ما گروه انبياء امر شده ایم که با مردم به اندازه ی عقل و فهم آنها سخن بگوییم.

۵- امر ونهی کننده

موقعیت کسی که دیگران را به راستی ها فرا می خواند، از نظر این که دارای چه شخصیت، و در چه سطحی است در تبلیغ اثر دارد. گاهی يك آدم عادي دعوت به معروف و نهی از منکر می کند و گاهی يك عالم دانشمند خوش نام و با اخلاص. قطعاً کسی که دارای مقام و کمال بیشتری است، گوش مردم نیز از او شنواتر می باشد. لذا برای عالمان و آن ها که دارای مقام و موقعیت اجتماعی و دینی هستند، وظیفه سنگین تر است. امر ونهی کننده، باید به این مسئله توجه کند که وزن و جایگاه خود را بداند و از تقلید و کلیشه ای صحبت کردن پرهیز نماید. ممکن است حرفی از يك بزرگی، عده ای را متحول کند و همان حرف از کسی دیگر که در آن سطح نیست، دیگران را فراری دهد.

منبرها و سخنرانی های مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری که در حدود صد سال قبل می زیسته، بسیار معروف بوده و خطابه هایی که از او باقی مانده و اکنون چاپ شده، بسیار ارزشمند می باشد. گویند در یکی از منبرهای خود در شب های نزدیک به عاشورا، هنگام ذکر مصیبت، بعد از مقدمه چینی گفته بود:

مردم! امشب بوی خیمه های سوخته می آید و مستمعین را به یاد آتش زدن خیمه های امام حسین (ع) می انداخت و آنها حساسی منقلب می شدند و اشک می ریختند. یکی از وعاظ تازه کار، قصد داشت به همین سبک، برای مردم ذکر مصیبت کند. او هم در يك شب که مردم برای مرثیه خوانی، خیمه هایی به پا کرده و مشغول عزاداری بودند، گفت: مردم چه شده که امشب بوی خیمه های سوخته می آید؟! ناگهان دید مردمی که نشستند، همه مضطرب شدند و سر به فرار گذاشتند و خیال کردند چادرهایی که در آن مستقر شده اند آتش گرفته! بنابراین، گاهی يك تشر از آدم وارسته و صاحب کمال، آن می کند که ده ها سخن محبت آمیز، آن اثر را ندارد و گاهی همان لفظ خشن و آمرانه از فرد دیگری که در آن سطح نیست، موجب رنجش دیگران می گردد و نتیجه معکوس می دهد. لذا، در امر و نهی های اصلاح گرانه، به این نکته مهم باید توجه نمود.

(پایان)

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳

منابع :

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- اصول کافی
- ۴- بحارالانوار
- ۵- تفسیر نمونه
- ۶- تفسیر مجمع البیان
- ۷- عوالی اللثالی
- ۸- غررالحکم
- ۹- رنگارنگ
- ۱۰- پندهای جاویدان
- ۱۱- چکیده اندیشه ها
- ۱۲- لسان العرب
- ۱۳- گل واژه های نجات و هدایت
- ۱۴- راه کارهای رهبری
- ۱۵- مجالس شیخ جعفر شوشتری
- ۱۶- گلستان سعدی
- ۱۷- مثنوی معنوی
- ۱۸- دیوان حافظ
- ۱۹- پانزده گفتار مرتضی مطهری